

## شاخ فراوانی در هنر و آیین الیمایی

سیده مانا روحانی رانکوهی

کارشناس ارشد باستان شناسی تاریخی

### چکیده:

الیمیایان (۲-۱۶۳ق.م-۱۲۴م)، بومیان سرزمین کوهستانی شمال خاوری خوزستان بودند، که بارها در برابر سلوکیان و پارت‌ها ایستادگی کرده و مبادرت به تشکیل یک حکومت نیمه مستقل و خودمختار در منطقه نمودند. میانه‌ی زاگرس میانی و الیماییس الیمیایان، سرزمینی است که در گستره‌ی زمان، با فراز و فرود فراوان، فرمان‌روایان گوناگونی را به خود دیده است، باورها و آیین الیمیایان در پهنه‌ی روزگار در کنش با این فراز و فرود و فرمانروایان، در هم آمیخته و دگرگون شده است. پژوهش در پدیده‌هایی چون سکه، دست‌آفریده‌های هنری، همچون تندیس آفرینی و پیکره‌گری نگارکندها و دیگر جلوه‌های هنری ما را با آیین باورهای فراگیر شده‌ی آنان در گستره‌ی تاریخ به فراوشی گراییده‌ی شان آشنا می‌کند، و کنکاش در نمادهای آیینی برجای مانده از آنان در نگارکندها و دستاوردهای هنری ما را با نمادهایی آشنا می‌کند که نشان از آمیزش باورهای الیمایی با باورهای هلنی دارد. یکی از این نمادها شاخ فراوانی، برکت، نعمت یا همان کورونوکوپیا بر گرفته از اسطوره‌های یونانی و هلنی است. این پژوهش به بررسی این نماد در یادمان‌های هنری الیمیایان با روشی توصیفی تحلیلی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شاخ فراوانی، کورونوکوپیا، نگارکندهای صخره‌ای، الیمایی، نگارکندهای ساختمانی، تندیس

### ۱- مقدمه

شاخ نعمت و فراوانی بر گرفته از اساطیر یونانی است که پس از حمله‌ی اسکندر به ایران و حضور سلوکیان در خاور، کم‌کم وارد فرهنگ خاور نشینان می‌شود، شاخ فراوانی را بر پشت سکه‌های شاهان سلوکی چون آنتیوخوس اول، دمتریوس اول دیده می‌شود که به نشانه‌ی برکت و نعمت در دست ایزد بانوانی چون تیخه، دمیترا، فروتونا و گاه به صورت تنها دیده می‌شود.

فرهنگ سلوکیان در گستره‌ی امپراطوری اشکانی به حیاط خود ادامه می‌دهد و ایزد و ایزد بانوان یونانی، همجوار همتایان بومی خود مورد ستایش قرار گرفته، به گونه‌ای که در برخی موارد تشخیص بومی یا یونانی بودن ایزد بسیار دشوار است، و می‌توان از آن به عنوان ترکیب بومی و هلنی یاد کرد. الیمیایان به عنوان بازماندگان ایلامیان باستان که در دوران با شکوه امپراطوری هخامنشی به حیاط خویش ادامه می‌دهند، پس از اندک زمانی از فروپاشی این امپراطوری، سر بر شورش نهاده و در ستیز با سلوکیان دیده می‌شود.

این درگیری‌ها، الیمایی را گاه به سوی یک حکومت نیمه خود بسنده سوق و گاه زیر سلطه‌ی حکومت‌های قدرتمند زمان قرار داده، تداوم این درگیری‌های گاه و ناگاه، راه ورود فرهنگ‌های هلنی را به این سرزمین باز می‌کند، بگونه‌ای که در زمان امپراطوری بلند مدت اشکانی این نماد به بخشی از فرهنگ الیمایی تبدیل می‌شود. در مقاله‌ی پیش رو پس از بیان اسطوره و پیشینه‌ی کورونوکوپیا که به معنای شاخ فراوانی، نعمت و برکت است، به معرفی این نماد در گستره‌ی الیماییس به روش کتابخانه‌ای و از طریق رهیافت تاریخی پرداخته و سپس با مقایسه‌ی موردی آنان با سرزمین‌های همجوار، تلاش می‌شود که این نماد را در آیین و باورهای الیمایی شناساند.

## ۲- شاخ فراوانی و اسطوره

درباره‌ی منشا شاخ فراوانی در اساطیر یونان دو روایت مشاهده می‌شود. روایت نخست: هنگامی که زئوس نوزادی بوده، برای در امان ماندن از صدمه‌های احتمالی کرونوس، مادرش او را به غاری در کوه‌های آیدا در کرت برد، و در آنجا عده‌ای ایزدبانو تیماگری او را بر عهده گرفتند، وظیفه‌ی شیر دادن زئوس بر عهده‌ی آملته گذاشته شد، برخی آملته را بزى دانسته که زئوس را شیر داده و برخی وی را ایزدبانویی که به این کار مبادرت کرد، می‌دانند. گویند، که روزی هنگام بازی کردن، زئوس یکی از شاخ‌های بز را شکست و آن را به آملته هدیه و بیان کرد که شاخ مورد نظر از هر میوه‌ای که هوس کند، به طور معجزه آسایی پر خواهد شد (گریمال، ۱۳۷۸: ۶۲). روایت دوم: روزی هراکلس بر سر دژانیر با ایزد آخلوس، که خود را به شکل گاو نری در آورده بود، به نبرد پرداخت، در این نبرد، هراکلس یکی از شاخ‌های گاو را کند. آخلوس که شکست خورده بود از هراکلس خواست شاخش را به او پس دهد و در مقابل، شاخ آملته، بز کوه آیدا را بگیرد. همین شاخ، شاخ فراوانی شد. (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۶۵) ایزدانی مرتبط با این نماد دمیتر، تیخه و فورتونا هستند که این نماد را به عنوان نشانه‌ی از برکت و فراوانی در دست دارند. برای شناخت بیشتر این نماد باید نقش این ایزد و ایزدبانوان را در اسطوره‌های یونانی و هلنی شناخت، از این رو کوتاه به معرفی این ایزدان پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- دمیتر

او دختر کورونوس و رئا است، پیش از هر چیز ایزد گندم و ضامن رویش آن است. دمیتر به عنوان یکی از ایزد بانوان اصلی فراوانی و حاصلخیزی، مورد ستایش آگاهان به اسرار و کشاورزان قرار داشت (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۱۵-۲۱۳). رومی‌ها او را با سرس یکی کردند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

### ۲-۲- فورتونا

رومیان فورتونا را با تیخه‌ی یونانی یکی کردند. فورتونا ایزد بانوی بخت کور و تصادف است و بر اساس هوا و هوس خود، ثروت یا فقر، توان یا بندگی را نصیب فنا پذیران می‌کند او بر تمام رویدادها نظارت دارد و از توان کامل بر سرنوشت مردم برخوردار است. فورتونا در یک دست شاخ فراوانی و در دست دیگر سکانی به نشانه‌ی تسلط بر امور جهان دارد (اسمیت ۲۷۷: ۱۳۸۳).

## ۲-۳- توخه (تیخه یا تیشه)

توخه نیز مانند فورتونا، نماد نیک و بد در سرنوشت مردم است. اهالی شهرها برای جلب پشتیبانی او، پرستشگاه و تندیس‌هایی بر پا می‌کردند. توخه را به گونه‌ی زنی متین با دیهیمی بارو مانند نشان داده‌اند که دور تا دور آن را نمادهایی گوناگون (شاخ فراوانی، چرخ و سکان) فرا گرفته است. این نمادها به سمت سرنوشت ناشناخته، نیک یا بد می‌چرخند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

## ۳- شاخ فراوانی و برکت در دوره‌ی سلوکی

سلوکیان میراث دار فرهنگ هلنی که با یورش گسترده‌ی اسکندر به خاور زمین و پس از مرگ او، نقش فراوانی در پراکنش آیین و باورهای هلنی داشته‌اند. پژوهش در هنر و یادمان‌های بر جا مانده از سلوکیان به زیبایی ما را با این نقش آشنا می‌کند. کورونوکوپیا یا همان شاخ خوشبختی و برکت که از اساطیر یونانی برخاسته یکی از نمادهایی است که در یادمان‌های سلوکی خاور زمین بر جای مانده و رد پای آن، سپس در باور و آیین اشکانیان و نیز حکومت‌های نیمه خود بسنده‌ی همزمان و پس از آن نیز دیده می‌شود. سکه‌ها به عنوان یکی از منابع دست اول تاریخ می‌توانند اطلاعات زیادی را درباره‌ی تاریخ، فرهنگ و آداب رسوم مردمان باستان در اختیار ما قرار دهند. بسیاری از نمادهای موجود بر سکه‌ها ریشه در باورهای آیینی آنان دارد. علاوه بر آن سکه‌های بر جای مانده از سلوکیان و پیرو آنان اشکانیان و الیماییان در بردارنده‌ی اطلاعاتی درباره‌ی ایزدان مورد ستایش آن دوره می‌باشد، نماد برکت و یا شاخ فراوانی یکی از باورهایی است که آن را گاه به گونه‌ی تک افتاده و گاه به همراه ایزدان بر پشت سکه‌ها می‌بینیم. بر پشت سکه‌های شاهان سلوکی چون آنتیوخوس اول، الکساندر دوم، و دمیتریوس این نماد برجای مانده است. سکه‌ای از آنتیوخوس چهارم بر جای مانده که بر پشت آن شاخ فراوانی به گونه‌ی تک افتاده و بدون حضور ایزد یا ایزد بانویی است (شکل - ۱).

در پشت برخی از سکه‌های الکساندر دوم که در انطاکیه به دست آمده نیز این نماد را به همان گونه‌ی تک افتاده می‌توان مشاهده کرد در کنار این نماد تصویری از یک خوشه‌ی گندم دیده می‌شود که شاید بتوان آن را در ارتباط با ایزدبانوی دمیتر دانست. علاوه بر آن از الکساندر دوم سکه‌هایی در دست است که بر پشت آن دو شاخ فراوانی به گونه‌ی تک افتاده قرار گرفته‌اند که بخش انتهایی آن در هم تنیده شده است (شکل - ۲). از دمیتریوس سکه‌هایی در دست است که بر پشت آن ایزد بانو تیخه بر روی کرسی‌ای نشسته و در دست چپ خود کورونوکوپیا یا همان شاخ خوشبختی را دارد (شکل - ۳). پیکره‌ای برنزی از ایزد بانو تیخه در نهاوند به دست آمده که نماد کورونوکوپیا را به عنوان شاخ فراوانی و برکت در دست دارد.



شکل ۱- سکه‌ای از آنتیوخوس چهارم و نماد شاخ فراوانی بر پشت آن



شکل ۲- سکه ای از الکساندر دوم و نگاره‌ی دو نماد فراوانی در هم تنیده بر پشت آن (<https://www.vcoins.com>)



شکل ۳- سکه‌ای از دیمتریوس اول با نقش ایزدبانو تیخه و شاخ فراوانی در دست در پشت سکه  
(<http://www.coinarchives.com>)

#### ۴- شاخ فراوانی در دوره‌ی اشکانی

اشکانیان گرچه بر علیه سلوکیان از خاور زمین برخاسته و شورش‌های همگانی را آغاز کرده و سپس یک امپراطوری بزرگ را ساختند، اما پژوهش در هنر، معماری، باورها و آیین آنان این امر را بازگو می‌کند که در بسیاری از پاره‌ها اشکانیان پیرو باورها و آیین سلوکیان‌اند و سلوکیان اندیشه‌ی یونانی‌زده کردن خاور زمین که از سوی اسکندر برخاسته بود را به زیبایی گسترانیده بودند، به گونه‌ای که در گستره‌ی طولانی حکومت پارتی که حدود پانصد سال را در بر می‌گیرد باورها و آیین ریشه گرفته شده از آیین هلنی و سلوکی به فراوانی دیده می‌شود، گرچه برخی از شاهان اشکانی تلاش می‌کنند که رد پای این باورها را کمرنگ کنند، اما به نظر می‌رسد باورهای هلنی با آمیزش با باورهای بومی تا اواخر حکومت اشکانی نه تنها به حیات خویش ادامه می‌دهد که حتی در برخی از باورهای ساسانیان و اسلام نیز باقی می‌ماند (تصاویر نیکه در نگارنده‌های برجای مانده از ساسانی از این رویند).

نماد کورونوکوپیا که از سوی سلوکیان به خاور زمین راه می‌یابد، یکی از باورهای آیینی است که در گستره‌ی حکومتی اشکانیان و در یادمان‌های برجای مانده از آنان دیده می‌شود. این نماد به عنوان نماد و شاخ فراوانی و برکت که ایزد و ایزد بانوان آن را به آدمیان هدید داده بر پشت سکه‌های شاهان اشکانی به مانند سکه‌های برخی از شاهان سلوکی که در بالا از آنان یاد شد دیده می‌شود. بر پشت سکه‌های فرهاد دوم شخصی بر صندلی نشسته که شاخ فراوانی یا برکت را در دست چپ خویش دارد، سلوود آن را ایزد مرد نشسته که کورونوکوپیا در دست دارد و آن را با ایزدان یونان مرتبط نمیداند (برومند ۱۵: ۱۳۹۴) (شکل - ۴).

مایکل آرام آن را مربوط به ایزد تیشه یا فورجون می‌داند و آن را در اسطوره شناسی تطبیقی با ایزد بانوی آشوری ایشتار و یا نانایه تلفیق شده می‌داند و در واقع معتقد است ایزد تیشه یک ایزد دو جنسی است. (برومند، ۱۳۹۴: همان) اما چیزی که مورد توجه قرار نگرفته این است که نماد کورونوکوپیا علاوه بر اینکه در

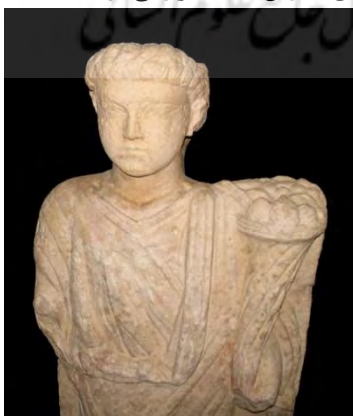
دست ایزد و ایزد بانوان دیده میشود در دست افراد زمینی با بلند رتبه نیز دیده می شود که به عنوان نماد برکت شاید نشانه ای اهدایی از خدایان در دست دارند، پیکره ای سنگی مربوط به سده ی نخست میلادی از نرون و مادرش آگریپینا درموزی آفرودیسیاس ترکیه است که مادر نرون با یک کورونوکوپیا در دست در حال تاجگذاری امپراطور است ( شکل -۵). نمونه های آن در پالمیر و مسجد سلیمان به زیبایی دیده می شود ( در پالمیر مجسمه ی سنگی از مردی بدست آمده این نماد را در دست دارد (شکل-۶) .



شکل ۴- چهار درهمی از فرهاد دوم اشکانی با نقش مرد کورونوکوپیا در دست بر پشت آن (غلامی، ۱۳۹۲)



شکل ۵- پیکره ی از نرون و نگاره ی مادرش با نماد فراوانی در دست (<http://www.en.wikipedia.org>)



شکل ۶- پیکره ی سنگی مرد پالمیری با شاخ فراوانی در دست

(<http://www.usc.edu/dept/LAS/arc/palmyrene/html/Char.html>)

بر پشت چهاردرهمی اردوان دوم یا باگاسیس که او را در اسناد میخی بابلی باگایاش و موسی خورنی نام او را ولریشک بیان کرده این نماد در دست ایزد بانو دمیتر در حالی که بانو نیکه در حال گل دادن به اوست قرار دارد.

(غلامی، ۱۳۹۲؛ ۲۸۲ و ۲۸۳) (شکل ۷-). در پشت سکه برخی از چهار دره‌می‌های اردوان سوم نیز نقش دمیترا در حالی که کورونوکوپیا در دست چپ و در حال گرفتن تاج گل از ایزد بانو نیکه است دیده می‌شود (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۲۹۲) (شکل ۸-). بر پشت چهاردره‌می از اشک دهم که مطالعات جدید او را شخصی متفاوت با مهرداد دوم و مهرداد دوم را در واقع برادر کوچکتر اردوان سوم و عموی اشک دهم دانسته‌اند (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۲۸۹) نیز همان تصویر دمیترا و ایزد بانو نیکه تکرار شده است. بر پشت چهار دره‌می‌هایی از اردوان سوم نقش اردوان در حالی که بر تخت نشسته و ایزد بانو تیشه با در دست داشتن کورونوکوپیا در دست چپ، شاخه‌ی نخل خرما را به او هدیه می‌دهد دیده می‌شود. (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۴۸۷-۴۸۸) (شکل ۹-). همین طرح با این تفاوت که به جای اردوان، فرهاد چهارم و یا فرهادک بر تخت نشسته بر پشت چهار دره‌می‌های فرهاد چهارم و فرهادک دیده می‌شود (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۲۷۸، ۲۸۶، ۵۷۹، ۵۷۸). نماد کورونوکوپیا در پشت سکه‌های اردوان چهارم به دو گونه ظاهر می‌شود. گونه‌ی اول به مانند سکه‌های شاهان پیشین که بر پشت سکه، شاه بر تخت نشسته و تیشه در حالی که در دست چپ نماد باروری و برکت را دارد تاج گل را به شاه هدیه می‌دهد. (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۳۲۳) گونه‌ی دوم کالکونی است که بر پشت سکه نماد برکت و فراوانی به شکل تک افتاده ظاهر شده است (شکل ۱۰-). بر چهار دره‌می‌های گودرز دوم نیز نماد کورونوکوپیا در دست تیغه در حال تقدیم گل به شاه دیده می‌شود. (غلامی، ۱۳۹۲؛ ۶۴۹ الی ۶۵۴)



شکل ۷- چهار دره‌می از اردوان دوم با نماد فراوانی بر پشت آن (غلامی ۱۳۹۲)      شکل ۸- چهاردره‌می از اردوان سوم با نماد فراوانی بر پشت آن (غلامی ۱۳۹۲)



شکل ۹- چهار دره‌می از اردوان دوم با نماد فراوانی بر پشت آن (غلامی ۱۳۹۲)      شکل ۱۰- کالکونی از اردوان چهارم با نماد فراوانی بر پشت آن (غلامی ۱۳۹۲)

## ۵- شاخ فراوانی و برکت در الیمایی

الیماییس که در گذر زمان، حکومت‌های گوناگون را به چشم دیده در کنش با این حکومت‌ها، باورها و آیین آنان را به خود پذیرفته، در واقع درباره‌ی باور و آیین الیمایی می‌توان این‌گونه نوشت که آیین الیمایی تنها یک آیینی بومی نیست، بلکه ترکیبی از آیین بومی و آیین سرزمین‌های همجوار و آیین وارد شده از سوی سلوکیان است. یکی از نمادهایی که ریشه در آیین هلنی و سلوکی داشته و از سوی آنان به الیماییس وارد شده، نماد فراوانی و یا شاخ برکت است، از این رو به معرفی و تحلیل این نماد در یادمان‌های الیمایی پرداخته و نگرش‌های پژوهش‌گران پیشین در این باره بیان می‌شود.

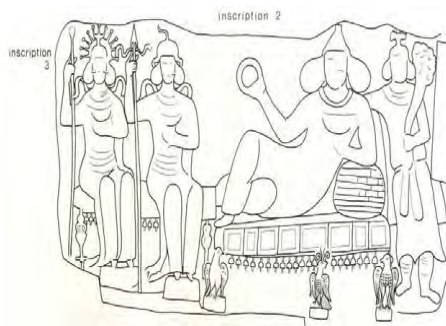
## ۶- نماد فراوانی در نگارکند تنگ سروک

در نگاره‌ی شمال خاوری سنگ دوم تنگ سروک دو صحنه وجود دارد، که صحنه‌ی فرازین آن از مهمترین صحنه‌های هنر الیمایی است. این صحنه چهار نقش دارد، که با عمق کم حجاری شده‌اند. این نگاره نسبت به دیگر نگاره‌های تنگ سروک کمتر مورد تخریب قرار گرفته، و مردی لمیده بر تختی باشکوه را نشان می‌دهد، که در سوی راست او دو نفر بر روی نیمکتی نشسته، در گوشه‌ی چپش فردی ایستاده است. مرد لمیده، بر تخت زیبای سلطنتی، حلقه‌ی قدرت را به سوی دو فرد بر کرسی نشسته گرفته است، مرد لمیده به پهلوی چپ دراز کشیده و آرنج دست چپش را بر یک تکیه‌گاه قرارداده است، واندنبرگ، شیبیم در این باره این‌گونه می‌نویسند: «مرد لمیده بر تخت، پای راستش را روی پای چپش قرار داده و آرنج چپ را بر جسم گرد و حجبیمی در سمت راست تخت تکیه داده، که احتمالاً چندین بالش روی هم چیده شده است...» (واندنبرگ، شیبیم، ۱۳۸۶: ۷۴) (شکل-۱۱). پایه‌های تخت به شکل عقابی است سه عقاب با حالت بدن و تمام‌رخ در حالی که دو عقاب پایه‌های بیرونی، به سمت داخل می‌نگرند. عقاب پایه بیرونی نیز جانب چپ را می‌نگرد. اشتاین چهار عقاب را گزارش داده است (.....). لبه‌ی تحتانی تخت با زنگوله‌هایی زینت یافته و پایه‌ی تخت به شکل مارپیچ در دو ردیف است. مردی در سمت راست صحنه (زاویه‌ی شمال‌باختری) با صورتی تمام رخ و بدنی نیم‌رخ ایستاده است، در دست چپش شیئی که برشانه‌اش قرار گرفته، دارد، رجبی آن را مگس‌پران (رجبی، ۱۳۹۰، صفحه‌ی ۴۵، بند سوم و صفحه‌ی ۴۹ بند اول، رجبی، ۱۳۸۵: ۴۸)، واندنبرگ و شیبیم آن را بادبزن می‌دانند که فرد در دست چپ و بر روی شانه‌اش قرار داده (واندنبرگ و شیبیم، ۱۳۸۶: ۷۶) او دست راستش را بر پشت شخص لمیده و بر تخت گذاشته است، موهای انبوه و بلند، ریشی کوتاه اما پهن، بر سرش کلاهی، که در قسمت بالا جمع شده، بر گردنش یک حلقه، جامه‌ای کشیده که تا زانویش می‌رسد و روی جامه‌اش یک شنل کوتاه‌تر که تا ناحیه ران‌ها می‌رسد، دارد.

رجبی شیء در دست مرد ایستاده در سوی چپ مرد لمیده را به روشنی بادبزن یا مگس‌بران می‌داند، که در دوره‌ی هخامنشی بر نگاره‌های تخت جمشید شناخته شده است (رجبی، ۱۳۸۵: همان)، و سابقه‌ای بسیار کهن‌تر از هخامنشی دارد، و در نگاره‌های هیتی و آشورو... به فراوانی دیده شده. به نظر می‌رسد، رجبی بدون شناخت شباهت‌های آن با نگاره‌هایی در مکان‌های وابسته به سرزمین الیمایی، این نظر را ارائه می‌دهد. در نگارکندی ساختمان‌ی در مسجد سلیمان این نشانه را به وضوح مشاهده می‌کنیم، که در دست افراد قرار دارد. در بردنشانده نیز پیکره‌ای مفرغی که این شیء را در دست دارد، توسط هیئت گیرشمن کشف شد (.....). گویی باور گیرشمن با همه‌ی اشتباهات فاحشی که درباره‌ی مزدپرستی الیماییان ارائه می‌دهد، در این مورد درست است، او شیء را با مقایسه شیء در دست فرد پشت سر نگاره‌ی شمال خاوری صخره‌ی دوم تنگ سروک، کورونوکوپیا یا همان شاخ خوشبختی دانسته است. او همچنین این باور را ارائه می‌دهد که شیء موجود در دست نیایشگران نیایشگاه معروف به هرکول در مسجد سلیمان در راستا با اسطوره‌ی شکستن شاخ آکلوس، از سوی هراکلس است (.....). ویستا سرخوش نیز آن را کورونوکوپیا یا همان شاخ فراوانی می‌داند، که به نشانه‌ی برکت در دست شخص قرار گرفته است (.....). گرچه تشخیص این که شخص مورد نظر از ایزدان است یا انسان کار بسی دشوار است. گیرشمن در این باره شخص را جد مرد لمیده می‌داند که با حمایت او به مقام شاهی رسیده است (.....). فن گال (.....). مالکوم کالج سه شخص را که در صحنه‌ی تاج‌ستانی شاهزاده قرار دارند را ایزدان محلی می‌داند (.....).

همانگونه که درباره‌ی مردی که شاخ فراوانی را بر پشت سکه‌های فرهاد دوم به دست دارد گفته شد، شاخ فراوانی در آثار هلنی، اشکانی و حکومت‌های نیمه مستقل نه تنها در دست ایزد و ایزدبانوان قرار می‌گرفته بلکه این شاخ را افراد بلند مرتبه‌ی جامعه نیز در دست دارند. نمونه‌ی رومی مربوط به سده‌ی اول میلادی را می‌توان بر پشت سکه‌ای از کالیگولا دید که این شاخ در دست سه خواهر او با نام‌های اگریپینا، دروسیلا و جولیا قرار دارد (شکل-۱۱). بنابراین با توجه به پیکره‌های سنگی

بدست آمده در مسجد سلیمان و بردنشانده که در جای خود بدان نیز پرداخته می شود شاید بتوان دیدگاه گیرشمن را در این باره نزدیک تر به واقعیت دانست و این گونه نوشت که شخصی که نماد فراوانی را در این نگارکند در دست دارد می توان یک شخص زمینی جد و یا شاید کاهن دانست.

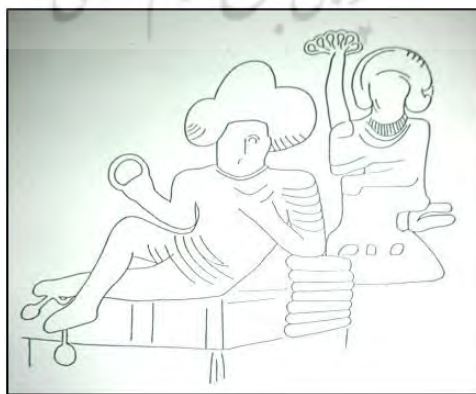


شکل ۱۲- سکه‌ای از کالیگولا و سه خواهر او در پشت سکه که در دست نماد فراوانی دارند  
<http://www.coinweek.com>

شکل ۱۱- طرح نگارکند شمال خاوری سنگ دوم در تنگ سروک (واندنبرگ، شیپمن ۱۳۸۶)

## ۷- نگارکند برد بت تینا

در نگارکند برد بت تینا واقع در کوه‌های تینا در مسجدسلیمان خوزستان که واندنبرگ، شیپمن در سال ۱۹۷۵ آن را شناسایی کردند ..... دو شخص، نمایش داده شده است. شخص نخست که روی تخت با شکوهی لمیده در حالیه که در یک دست پیاله و در دست دیگر حلقه‌ای را دارد، و شخص دیگر که در پشت او تصویر شده، در دست خود شیء‌ای نامشخص دارد که واندنبرگ و شیپمن اشاره می‌کند که شیء در دست راست شخص است (شکل-۱۳) و در توصیف آن از پرچم یا دسته‌گل با تردید نام می‌برند (واندنبرگ، شیپمن، ۱۳۸۶: ۶۳). اما براساس طرح واندنبرگ و شیپمن به نظر میرسد شخص شیئی را با دو دست بر روی شانه‌ی خود حمل می‌کند گرچه تفاوت‌هایی با پیکره‌ها و نگارندهای برجای مانده از مردان، زنان، ایزد و ایزد بانوان که نماد شاخ فراوانی را بر دست دارند دیده می‌شود شباهت شیء در دست شخص با نگارکند تنگ سروک که در بالا بدان اشاره شد می‌تواند این باور را به ما بدهد که شیء مورد نظر بر خلاف دیدگاه با تردید واندنبرگ و شیپمن، شاخ فراوانی، برکت و یا همان کورونوکوپیی اسطوره‌های یونانی و هلنی باشد.



شکل ۱۳- طرحی از نگارکند برد بت تینا (واندنبرگ، شیپمن ۱۳۸۶)



## ۸- نگار کند شیوند

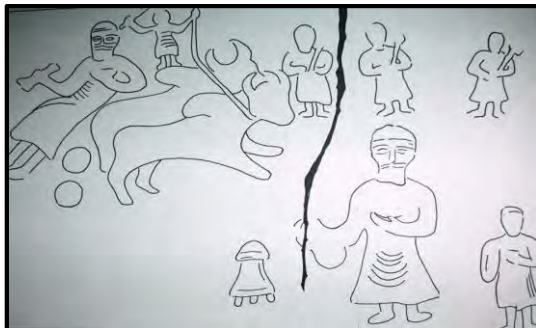
این نگار کند در سال (۱۳۶۷) از سوی جعفر مهرکیان شناسایی و ثبت شد. ایشان بخشی از پایان نامه‌ی ارشد خود را به معرفی و تحلیل این نگار کند اختصاص داده اند «در سمت چپ بالای نگار کند، پیکره‌ی مردی لمیده یا نشسته بر پشت دو گاو دیده می‌شود، که با چهره‌ی تمام‌رخ و نگاه از روبرو دارای حدقه‌های بزرگ و چشمان برجسته و خیره به جلو است. او چیزی نامعلومی را در دست دارد و با دست چپ احتمالا جامی را در یک تراز رو به سینه گرفته است. ساعد چپ او بر کوهان گاو پشتی است، قبای بلندی بر تن او است و پاهای دراز شده‌ی او بر جلو نیم‌رخ است، او با قامت ۶۲ سانتیمتر خود بزرگ‌ترین پیکره و شخصیت در این نگار کند است. دو گاو کوهان‌دار نیم‌رخ با شاخ‌های خمیده و یوغ بر گردن که دنباله‌ی آن را پیکره‌ی کوچکی ایستاده بر کوهان گاو دیگر در دست دارد، در هر حال حرکت به سمت راست دیده می‌شود.

قامت تمام‌رخ مردی که افسار بسته به یوغ را به دست چپ گرفته نزدیک به ۲۵ سانتی‌متر است، او تونیک زیر زانویی بر تن دارد، که پاهایش را به دو طرف آشکار ساخته است، اگرچه اثر زیادی از چهره‌اش باقی نمانده است، ولی ترکه یا شلاقی را بر دست راست او می‌توان دید، که برای هدایت گاوها بالا برده تا بر سرشان فرود آورد. دو دایره بر پیکره‌ی اصلی و پشت گاوها را می‌توان چرخ‌های ازابه‌ای پنداشت، که به وسیله‌ی گاوها پیکره را با خود می‌برد، از آن رو می‌توان پیکره مهار در دست را ارابهران دانست. در راستای سر گاوها سه پیکره‌ی آدمی با جزئیات ناچیز دیده می‌شود، که همگی تمام رخ‌اند و تونیک‌های بلند زیر زانویی بر تن دارند، که پاهای آنان را که به طرفین است، بهتر می‌نمایاند. آنان چیزهای بلندی را بر شانه‌ی چپ خود تکیه داده و بالا نگه داشته‌اند. چنان‌چه بالای آنها پهن نبود، می‌شد آن‌ها را جنگ‌افزاری چون نیزه یا تیر و کمان دانست.

دست‌کم آن‌چه را که در دست آخرین نفر دیده می‌شود، شاید بتوان شاخ فراوانی پنداشت. اما پذیرفتن این که هر سه شاخ فراوانی در دست دارند، دور از ذهن است ... دست هر سه پیکره در جلوی سینه، بدانان حالت خبردار و احترام‌آمیزی داده است. قامت آنان به ترتیب ۳۴-۴۵-۳۲ سانتی‌متر است، شبیحی از نگاره‌ی دیگری پس از آخرین نفر زیاد به واقعیت نزدیک نیست، این پیکره‌ها با حالتی خبردار و تشریفاتی خود به صحنه رسمیت بیشتری داده‌اند، در پایین نگار کند شیوند دو پیکره‌ی آدمی به هنگام اجرای مراسم آیینی دیده می‌شود. پیکره‌ی بزرگ‌تر با قامت ۵۸ سانتی‌متر خود پس از شخصیت اصلی بزرگ‌ترین پیکره است، او با نمای تمام‌رخ و چهره‌ی روبرو و خطوط اغراق‌آمیز صورت با حدقه‌های بزرگ در آن، و چشمان خیره به روبرو و گونه‌های برجسته و ریش بلند ته صاف بیشتر ویژگی‌های چهره‌های نگارکننده‌های الیمایی را دارد، تونیک بلند چین‌دارش که تا زیر زانوی او را پوشانده است، و دارای چین‌های موازی و منحنی و در بالا و چین‌های موازی و عمودی در طرفین است. پاهای او در زیر تونیک به طرفین است، با دست راست چیزی همچون یک پارچ را به طرف آتشدان بالا گرفته است، ... این پیکره چیزی چون جام را در جلوی سینه با دست چپ گرفته است، آتشدان و یا بخوردان بزرگی در دست چپ این پیکره دیده می‌شود، که با سه پایه‌ی کوتاه به ته صاف آن چسبیده است...» (مهرکیان، ۱۳۷۴: ۹۳-۹۲-۹۱) (شکل- ۱۴).

بر اساس توصیف مهرکیان که این نگار کند را شناسایی کرده اند سه شخص شیئی در دست چپ خود دارند به مانند تمام نگاره‌های برجای مانده از ایزدان، ایزدبانوان و افراد که شاخ فراوانی را در دست چپ خود نگه می‌دارند. گرچه مهرکیان در توصیف خود، داشتن شاخ فراوانی را در دست سه شخص دور از ذهن میدانند اما کنکاش در هنر و دست‌کنده‌های برجای مانده از این نماد چنین تصویری را در نگاره‌های سکه‌ای از کالیگولا دیده میشود که بر

پشت سکه ای این شاه سه خواهر او شاخ فراوانی را در دست چپ خویش حمل میکنند. که نزدیک ترین نمونه ی همسان با این نگارکند میتواند باشد .. با این توضیح مجموعه ی نقوش مربوط به نگارکند شیوند را شاید بتوان در ارتباط با مراسم آیینی کشاورزی دانست که در آن به نشانه ی برکت و فراوانی این شاخ را حمل میکردند.



شکل ۱۴- نگاره ی شیوند. (مهرکیان، ۱۳۷۵: ۱۱۴)

## ۹- نگارکند ساختمانی بردنشانه

بخشی از یک نگارکند ساختمانی از بردنشانه برجای مانده که امروز در موزه ی لوور نگهداری می شود، این نگارکند، پیکره ی مردی را به نمایش گذاشته که در حالی که در دست چپش نماد فراوانی را دارد با دست راست چیزی را بر روی آتشدان میریزد (مایه یا گیاه آیینی) این نگاره به خوبی نقش شاخ فراوانی را در مراسم آیینی نشان میدهد که کاهن، شاه و یا شخص نذر کننده با داشتن نماد فراوانی در دست و حضور در مراسم آیینی برای باوری زمین و یا گسترده تر، سرزمین به نیایش ایزدان میپرداختند. (شکل-۱۵)

## ۹-۱- پیکره مفرغین با نماد فراوانی در بردنشانه

پیکره ی مفرغین کوچکی به دست آمده از نیایشگاه بردنشانه در موزه ی ملی ایران نگهداری میشود که مردی را با لباس الیمایی (پارتی) نشان داده که در یک دست ( دست چپ) نماد فراوانی را دارد و دست دیگر خود را به نشانه ی نیایش و یا احترام بالا برده این پیکره ی کوچک نیز بخشی یک مراسم آیینی در ارتباط با نیایش برای فراوانی و باروری را به نمایش میگذارد. (شکل-۱۶)



شکل ۱۶- پیکره ی مفرغین مردی با نماد فراوانی در دست، محل نگهداری موزه ی ملی ایران، (نگارنده)



شکل ۱۵- نگارکند ساختمانی بردنشانه شخصی (کاهن؟) با نماد فراوانی در دست [www.louvre.fr](http://www.louvre.fr)

## ۱۰- نماد فراوانی بر روی سکه‌های الیمایی

سکه‌های الیمایی آثار معتبر و با ارزش دوران تاریک الیمایی به شمار می‌روند که پژوهشگران اندکی به کنکاش و پژوهش در این باره پرداخته‌اند، سکه‌های الیمایی به مانند هنر آن متأثر از سکه‌های سلوکی و پارتی است و نمادها و اشکال رو و پشت سکه‌ها خود گواه این امر است. نماد فراوانی و شاخ برکت همان گونه بر روی سکه سلوکی و اشکانی دیده می‌شود در مقیاس اندک بر پشت سکه‌های الیمایی است که نشان از باورهای مشترک و متأثر از باور هلنی دارد. سکه‌هایی از ارد دوم الیمایی (۵۰-۷۰ م) با شماره‌های ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۲، ۳۳۰، و به احتمال زیاد ۳۳۵ بر پایه‌ی طبقه بندی پاکزدایان در دست است (پاکزدایان: ۱۷۱، ۱۳۸۶ و ۱۰۱) که بر پشت سکه نیم تنه‌ی بانویی نیم رخ که نگاهش به سوی راست است نقش شده، که به نظر می‌رسد چیزی شبیه نماد فراوانی و یا شاخ برکت در دست و بر شانه‌ی چپش گرفته است. (شکل-۱۷)



شکل ۱۷- سکه‌ی الیمایی با نگاره‌ی ایزدبانو؟ یا بانویی؟ با نماد فراوانی در دست بر پشت سکه  
<http://www.anythinganywhere.com>

## نتیجه‌گیری

نماد فراوانی یا شاخ برکت و خوشبختی آن گونه که بدان پرداخته شد باوری یونانی است که با ورود فرهنگ هلنی به خاور زمین (پس از حمله‌ی اسکندر و حضور جانشینان او، سلوکیان) به این سرزمین‌ها راه می‌یابد. کنش و واکنش‌های سرزمین‌های کوچک و نیمه خود برانگیخته چون الیماییس با سلوکیان و سپس اشکانیان، خواه ناخواه باورهای هلنی چون نماد فراوانی یا همان شاخ برکت و خوشبختی را به این سرزمین وارد می‌کند و کم‌کم چنان در جان و روح باورهای آنان می‌نشیند که گویی بخشی از باور آنان بوده است، نماد فراوانی بر نگارکندها، سکه‌ها و یادمان‌های برجای مانده از الیماییس نشان از همین باور دارد. بررسی و پژوهش درباره‌ی نماد فراوانی در الیمایی روشن می‌کند که نماد فراوانی و یا شاخ خوشبختی در یادمان‌های برجای مانده از الیماییان نه تنها در دست ایزدان و ایزدبانوان بلکه در دست، شاهان، کاهنان، پیشینیان و نذر کنندگان معابد به نشانه‌ی باروری و فراوانی دیده می‌شود. مقایسه‌ی این نماد در الیماییس با سرزمین‌های همجوار چون کوشان، پالمیر، هترا، تاکیدی بر پراکندگی گسترده‌ی آن در خاور زمین است.

## منابع

- ۱- اسمیت زوئل، (۱۳۸۳)، فرهنگ اساطیر یونان و روم؛ ت. شهلا برادران خسرو شاهی، تهران؛ انتشارات روزبهان، فرهنگ معاصر.
- ۲- برومند صفورا، (تابستان ۱۳۹۴)، کورونوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی؛ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ سال ششم- شماره ۲۴ (علمی پژوهشی / . . .)، (ص. ۳۴-۱).
- ۳- پاتس دنیل تی، (۱۳۸۵)، باستن‌شناسی ایلام؛ ت. زهرا باستی، تهران؛ انتشارات سمت.

